

رابطه کرامت انسانی و تأثیر آن در شکل‌گیری حقوق مصرف‌کننده در فقه امامیه و قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی

ارسلان میری*، جلال ایران‌منش**، ابراهیم تقی‌زاده***، جلال سلطان احمدی****

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۵)

چکیده

دین اسلام، دینی همه‌جانبه است که برای فلسفه‌ی وجودی انسان، اصولی را در نظر گرفته است که بر طبق آنها، انسان راه تکامل و تعالی را طی می‌کند. در این خصوص مبحث مهمی چون مصرف و مصرف‌گرایی وجود دارد که رعایت اصول اسلامی صحیح آن منجر به حفظ کرامت انسانی می‌گردد. فلذا در این راستا لازم است قوانین و مقرراتی برای شیوه‌ی صحیح مصرف و مصرف‌گرایی تدوین شود تا در تبیین آن‌ها، اصول انسانی اسلام و خصوصاً کرامت انسانی او حفظ شود. بنابراین نویسنده در این پژوهش بر آن است تا نقش و رابطه کرامت انسانی و مصرف‌گرایی در فقه امامیه و قوانین مرتبط با آن بالاخص قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. روش تحقیق در این مقاله روشی توصیفی - تحلیلی است که با استناد به کتب و مقالات، سعی شده است تمامی جوانب موضوع مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که توجه به اصول صحیح مصرف، موجبات حفظ کرامت انسانی و دیگر ارزش‌هایی که انسان به ما هو انسان داراست را فراهم می‌آورد.

کلیدواژگان

تعزیرات حکومتی، حقوق مصرف‌کننده، فقه امامیه، کرامت انسانی.

* مسئول مکاتبات: دانشجوی دکتری حقوق، گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
arsalanmiri94@yahoo.com رایانامه:

** نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
Dr.j_iranmanesh@yahoo.com رایانامه:

*** دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

**** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

این مقاله برگرفته از تز دکتری ارسلان میری با نام «حقوق مصرف‌کننده در قانون و مقررات تعزیرات حکومتی با مطالعه تطبیقی با فقه امامیه» می‌باشد که در زمستان ۹۶، توسط استاد راهنما جناب آقای دکتر جلال ایران‌منش در مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور واحد تهران به انجام رسیده است.

مقدمه

هر انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود دارای خواسته‌ها و نیازهایی است که گاه در قالب زندگی فردی تامین شده و گاه برخی از آنها فقط در قالب زندگی اجتماعی قابلیت پاسخگویی را دارند، لذا انسان که موجودی است اجتماعی، علاوه بر تعامل با افراد، سعی در تامین خواسته‌ها و نیازهای خود نیز دارد. غالب مردم در اجتماع با نقش مصرف‌کننده ظاهر شده و فقط تعداد اندکی تولید را به عهده دارند؛ اینجاست که بحث حمایت از حقوق مصرف‌کننده مطرح می‌شود، زیرا زمانی که انسان در تکاپوی رسیدن به خواسته و نیازهای خودش است، گاه‌ها در نتیجه‌ی تداخل نیازهای او با دیگر افراد، حقوق آن‌ها را نادیده می‌گیرد. از طرف دیگر هر انسانی دارای ویژگی‌هایی است که در قالب تامین نیازهای خود از اجتماع، سعی در حفظ و نگهداری آن‌ها دارد این ویژگی‌ها در اسلام به عنوان اصول انسانی مطرح می‌شود که یکی از مهمترین این اصول، کرامت انسانی است. اما آنچه مطرح است، این موضوع است که قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده بر اساس چه معیارهایی باید تنظیم و شکل داده شود که در جامعه‌ای مانند ایران که جامعه‌ای اسلامی است و بحث استفاده از قوانین و احکام دین مبین اسلام در تبیین حقوق در مرحله اول قرار می‌گیرد، بین این دو کلید واژه مصرف‌گرایی و کرامت انسانی به عنوان یکی از اصول انسانی اسلام در راستای تبیین حقوق مصرف‌کننده کنش به وجود نیاید، فلذا سعی شده است که ابتدا مفاهیم و کاربرد سه اصطلاح کرامت انسانی، مصرف‌کننده و سازمان تعزیرات حکومتی و در مرحله بعد اصول مصرف در اسلام و در نهایت سیمای کرامت انسانی و حقوق مصرف‌کننده از منظر قوانین و فقه امامیه مطرح شود. اینجاست که لازم است رابطه بین مصرف‌گرایی و کرامت انسانی مورد بررسی و در مرحله بعد نقش این رابطه در شکل‌گیری حقوق مصرف‌کننده در سازمان تعزیرات حکومتی مورد تحلیل قرار گیرد.

مفاهیم

قبل از ورود به اصل بحث لازم است معنای لغوی، اصطلاحی و کاربردی «کرامت انسانی»، «حقوق مصرف‌کننده» و «تعزیرات حکومتی» تبیین گردد.

کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنی بخشش، بخشندگی، دهش، بزرگواری و بزرگی بخشیدن است و یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حقیقت انسان به شمار می‌رود و به همین دلیل است که خداوند به فرشتگان امر فرمود تا در مقابلش به خاک بیفتند. انسان موجودی است که خلقتش در زیباترین شکل و هیئت صورت پذیرفت؛ به همین جهت تاج کرامت بر سر وی نهاده شد و برتری او بر بسیاری از موجودات جهان هستی اعلام شد.

در این زمینه وفاق عمومی حاصل است که انسان از موهبت ارزش و کرامت ذاتی برخوردار است. این تنها مفهوم دستوری و هنجاری است که تقریباً هر حق قابل تصور برای انسان می‌تواند از آن کسب توجیه کند و خود می‌تواند در تفکرات مذهبی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی مقبولیت یابد و حتی مورد تأکید دولت مردان واقع شود. این مفهوم، مبنایی قوی برای حقوق بشر و شاید «جذاب‌ترین رویکردهای نظری» را فراهم می‌آورد. امروزه بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، کرامت ذاتی انسان را به عنوان توجیه اساسی برای حقوق بشر و آرمانی در برابر رفتار موهن و سوء استفاده آمیز با افراد بشر مورد استناد قرار می‌دهند. از این رو، برخی مدعی شده‌اند که، هر کس ادعا می‌کند حقوق را جدی می‌گیرد باید دست کم اندیشه‌ی هر چند مبهم، اما قدرتمند کرامت انسانی را بپذیرد (بادرین، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷).

کرامت انسانی از منظر قرآن، موهبت و نعمتی خدادادی است که در پرتو عقل و خرد از ناحیه‌ی آفریدگار هستی به آدمی ارزانی شده است. در واقع کرامت، حقی از حقوق انسان به شمار می‌آید که از سوی فرد، جامعه و نظام حاکم بر سیستم مدیریتی اجتماع در تمام عرصه‌های زندگی فردی و جمعی بایستی رعایت و به اجرا در آید (گیلانی، ۱۳۸۷، ص ۲).

برخورداری آدمی از این حق متضمن دو قضیه بنیادین هنجاری و ارزشی است که انسان نباید حرمت و کرامت خویش را مخدوش سازد و هیچ کس حق تعرض به حرمت و کرامت دیگری را ندارد (نوبهار، ۱۳۸۲، ص ۶۱۸).

در بررسی جایگاه کرامت انسان در اسلام، باید میان کرامت ذاتی و اکتسابی او تمایز قائل بود. به همین دلیل در دین اسلام می‌توان دو نوع کرامت برای انسان یافت. یکی، کرامتی جهان‌شمول

که صفتی فطری و ذاتی است و از آیه ای چون «و لقد کرّمنا بنی آدم» (اسراء، ۷۰) مستفاد می‌گردد (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴) که این نوع کرامت عام بوده و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می‌شود و بیانگر صفت رحمانیت خداوند است. رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را در بر می‌گیرد. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخرّ قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان، مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی و غیره از این جمله اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۳).

نوع دیگر کرامت انسانی، اکتسابی و غیر ذاتی بوده و مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است و از آیه ای نظیر «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» (حجرات، ۱۳) قابل برداشت است؛ چرا که در این آیه مبنای کرامت، نه بشریت، بلکه تقوا معرفی شده است. به عبارت دیگر منظور از کرامت اکتسابی، اکتسابی است که مقید به تقوا است. این نوع کرامت خاص بوده و تنها انسان‌هایی را شامل می‌شود که راه حقیقت را یافته اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان‌ها رحمت خاص عطا کرده که غیرمؤمنان از آن بی‌نصیبند. از آن‌جا که در اعلامیه جهانی حقوق بشر جهت جلوگیری از بروز اختلافات عقیدتی میان مردم کشورهای گوناگون، به کرامت ذاتی انسان توجه شده است و در اسلام نیز در کنار کرامت اکتسابی به کرامت ذاتی انسان، توجه شده است. لذا کرامت ذاتی انسان در متون مقدس اسلامی (قرآن و سنت) به دو صورت مستقیم (صریح) و غیر مستقیم، مطرح شده است.

در سوره‌هایی همچون، «و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفة» (طه، ۳۰)، «و نفخت فیه من روحی» (حجر، ۲۹) «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره، ۲۹) «من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمیعاً» (مائده، ۳۲) در این آیات، مقام انسان، بما هو انسان، به عناوین مختلف تکریم شده است. «علّم الانسان ما لم یعلم» (علق، ۵) «علّمه البیان» (نساء، ۵۵) «فتبارک الله احسن الخالقین» (مؤمنون، ۱۴) انسان به جهت مواهب بزرگی که به او بخشیده شده، همچون گل سرسید آفریدگان، تحسین و تکریم شده است. از پیامبر (ص) نقل شده است: «الخلق کلّهم عیال الله فاحب الخلق الی الله من

نفع عیال الله» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۴). از امام علی (ع) نیز نقل شده است: «لا تکن عبداً غیرک فقد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) امام علی (ع) اصل حریت و آزادی را که به طرزی عالی نماینده کرامت انسان است، در زمانی بس دور، به زیبایی و صراحت هرچه تمام تر، اعلان کرده است. ایشان در وصیت بی نظیر خود به مالک اشتر می گوید: «ولاتکوننّ سبعاً ضارياً تغتم اکلها فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق» و همچنین به استاندار خود توصیه می کند که مسلمان و غیر مسلمان را هم‌نوع بدانند و به یک دیده بدانها بنگرد؛ و این، بهترین شکل تکریم انسان است.

به صورت غیر مستقیم: «لا ینهیکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین» (ممتحنه، ۱۲۵)، «و هو الذی انشأکم من نفس واحدة» (انعام، ۹۸) و «اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل» (نساء، ۵۸) «و لا تجادلوا اهل کتاب الا بالتی هی احسن» (عنکبوت، ۶۶) «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» (نحل، ۱۲۵) «و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله» (کهف، ۲۹) «لا اکراه فی الدین» (بقره، ۲۵۶) «و لكل جعلنا منکم شرعاً و منهجاً» (مائده، ۴۸) «فذكر انما انت مدکر» (غاشیة، ۲۱) «لست علیهم بمصیطر» (همان، ۲۲) فحوای این آیات به احترام ذاتی انسان و به آزادی عقیده و کرامت او اشاره دارد. نقل است که پیامبر در «خطبه الوداع» فرمود: «یا ایها الناس ان ربکم واحد و ان اباکم واحد، کلکم لادم و لیس لعربی علی عجمی و لا أبيض علی أسود فضل الا بالتقوی» و نیز نقل شده است که پیامبر در تشییع یک یهودی شرکت کرد و در پاسخ به اعتراض برخی از مسلمانان پاسخ داد: مگر او یک انسان نبوده است؟ (بخاری، ۱۳۹۱، ص ۲۲۸).

دیگر مفهومی که در این رابطه معنا پیدا می کند، مفهوم مصرف کننده است که بایستی به دقت مورد بررسی قرار بگیرد.

مصرف کننده

واژه مصرف در لغت و ادبیات فارسی به معنای خرج و صرف، مصرف شدن، خرج شدن و به کار رفتن آمده است. در لغت عربی، واژه «صرف» بیشتر به معنای منع و برگرداندن چیزی از حالی به حال دیگر به کار رفته است. لغت نامه ها تعاریف گوناگونی از مصرف ارائه داده اند. برخی به

تعریف لغت مصرف و برخی به توضیح و چگونگی شیوه مصرف پرداخته اند. آکسفورد مصرف را نوعی خرید و استفاده از چیزی که با انتخاب کالا همراه است، تعریف می‌کند و حتی در لغت نامه این واژه، گاه به معنای نگهداری، تعمیر کردن چیزی دور ریختنی از هر محصول یا خدمات آن تعریف می‌شود.

مصرف معنای فایده داشتن نیز می‌دهد؛ از این نظر، مصرف چیزی باید مفید باشد تا اهمیت داشته باشد و با رضایت مصرف‌کننده همراه باشد. اگر مصرف فقط در مفهوم اقتصادی آن مطرح باشد، رضایت مصرف‌کننده را برآورده نمی‌کند؛ به همین دلیل مصرف، یعنی مفید بودن، رضایت روانی مصرف‌کننده را به همراه داشتن؛ به عبارتی فرد هنگام خرید و مصرف کالایی از داشتن آن احساس رضایت می‌کند.

مصرف که از آن به واژه استهلاک نیز تعبیر شده «فرایندی است که در آن ارزش استفاده چه به صورت تبدیل آن در فرایند تولید (مصرف تولیدی) و چه به صورت استفاده ناب و ساده آن در هنگام مالکیت برای ارضاء نیازها (مصرف مصرفی یا مصرف نهایی) از بین می‌رود (رزاقی، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

ماده ۱-۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب سال ۱۳۸۸) مصرف‌کننده را چنین تعریف نموده است: «هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند.» از آن جایی که این فرآیند، در واقع همان عمل افراد برای استفاده از کالا یا تولید آن است؛ علاوه بر محسوب شدن به عنوان یک فعالیت اقتصادی، یک مقوله اجتماعی و فرهنگی قلمداد شده و یک مرام و خواست فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رود که حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد.

این فرآیند در دوره‌های مختلف انقلاب صنعتی، فرهنگ‌های گوناگونی به خود گرفت و در هر دوره، براساس امکانات تولید صنعتی، فرهنگ مصرفی ویژه‌ای شکل گرفت و نظریه‌های اقتصادی مناسب آن پدیدار گردید؛ تا اینکه در قرن بیستم، فرهنگ مصرف‌گرایی مطابق نیاز جامعه سرمایه‌داری به مصرف بیشتر (که در اثر تولید انبوه به وجود آمده بود) در غرب ظاهر شد و به تدریج دامنه آن به کشورهای در حال توسعه و جهان سومی گسترش یافت.

مصرف‌گرایی به عنوان یک فرایند اجتماعی، بر مصرف‌تکیه کرده و مصرف هرچه بیشتر کالاهای مصرفی، اعم از بادوام و بی‌دوام را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این فرهنگ، افراد در خرید همیشگی کالاها و خدمات جدید، درگیر می‌شوند؛ در حالی که هیچ توجهی به نیاز یا عدم نیاز به این کالا و خدمات، قابلیت دوام آنها، مبداء تولید یا پیامدهای زیست‌محیطی تولید و مصرف آنها نمی‌کنند. در واقع باید مصرف‌گرایی یا مصرف‌زدگی را «از بین بردن یا صرف کردن از طریق به کار بردن و هزینه کردن بیهوده دانست» (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

جامعه‌ای که این فرهنگ بر آن حاکم گردد، همان جامعه مصرفی خواهد شد؛ که در آن «مصرف مبتنی بر خواست، مطرح می‌شود؛ نه صرفاً مبتنی بر نیاز؛ یعنی مصرف با میل آمیخته می‌شود و سلیقه و میل افراد در جامعه، بر نوع آن تأثیر می‌گذارد» (مهری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹).

در چنین جامعه‌ای که شعار خرید و مصرف بیشتر رواج می‌یابد، مصرف‌گرایی، به نوعی وجهه اجتماعی و نه به عنوان یک نیاز ضروری تبدیل می‌شود و حتی گاه به عنوان «تمایز یک گروه از گروه دیگر یا به عنوان بیان یک منزلت اجتماعی» خواهد بود (همان، ۱۷۶) و اینجاست که اصل مهم اسلامی یعنی کرامت انسانی زیر سؤال رفته و دیگر این انسان است که در خدمت مصرف درآمده است، نه اینکه مصرف برای رفع ضروریات او در اختیارش قرار بگیرند.

مهم‌ترین نهاد درگیر با مصرف‌کننده و حقوق وی، نهاد تعزیرات حکومتی است که بایستی مفهوم و اهم وظایف او به روشنی بیان گردد.

تعزیرات حکومتی

تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع اختصاصی رسیدگی به تخلفات اقتصادی، در مفهوم عام پدیده‌ای تازه و بدیع نبوده و از صدر اسلام تا کنون تحت عناوین و تعبیر مختلف در حکومت‌های اسلامی وجود داشته و در سایر نظام‌های حقوقی شناخته شده دنیا نیز متناسب با تشکیلات قضایی و اجرایی جایگاه خاصی داشته و دارد.

در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و تقریباً در آغاز

جنگ تحمیلی بحث تعزیرات حکومتی به معنی اخص کلمه برای جلوگیری از وقوع تخلفات عدیده ای که در زمینه مسائل اقتصادی با توجه به وضعیت بحرانی کشور در آن زمان به وقوع می‌پیوست پایه ریزی شد. بر همین اساس در ابتدای سال ۱۳۶۲ بنا به درخواست نخست وزیر وقت از محضر حضرت امام خمینی (ره) در خصوص اجازه قیمت گذاری کالاها از طرف دولت و نیز مبارزه با گرانفروشی توسط دولت کسب تکلیف گردید که با توجه به شرایط موجود اجازه آن توسط ایشان به دولت داده شد. در همین راستا کمیسیون هایی تحت نظارت وزارت کشور به نام کمیسیون های امور تعزیرات حکومتی تشکیل و به کلیه تخلفاتی که به نحوی جنبه اقتصادی داشت رسیدگی و پس از پایان جنگ تحمیلی، حضرت امام (ره) طی نامه ای حق تعزیرات حکومتی را از دولت سلب و مجمع تشخیص مصلحت نظام را مامور به تصمیم گیری در این زمینه نمودند که مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در مورخ ۶۷/۱۲/۲۳ با تصویب دو قانون تحت عنوان قانون تعزیرات حکومتی و قانونی تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، رسیدگی به تخلفات بخش غیر دولتی را به محاکم انقلاب اسلامی و بخش دولتی را به کمیسیون‌های تحت نظارت وزارت کشور محول نمود و این امر تا اواسط سال ۱۳۷۳ ادامه یافت؛ لیکن به لحاظ ضرورت کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا و خدمات و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن، با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی، اعم از بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت (قوه مجریه) محول گردید تا بر اساس قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۱/۲۳ اقدام نمایند که این امر نیز تا کنون ادامه دارد.

در واقع، تعزیرات حکومتی نهادی شبه قضایی می باشد که در جهت احقاق حقوق مصرف کننده و حمایت از تولید کنندگان در راستای سیاست های نظام جمهوری اسلامی ایجاد شده است و ضمانت اجرایی که قانون در جهت احقاق حقوق مصرف کنندگان و تولید کنندگان در نظر گرفته است با وضع قوانین متعدد از جمله قانون حمایت از حقوق مصرف کننده مصوب ۱۳۸۸،

قانون تعزیرات حکومتی سال ۱۳۶۷، قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی و دارویی، قانون نظام صنفی اصلاحی مصوب ۱۳۹۲، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بروز و ظهور نموده است، متکفل اجرایی این قوانین در واقع دستگاه رسیدگی به تخلفات اقتصادی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی (خصوصی، تعاونی، عمومی غیر دولتی) می‌باشد که فارغ از تشریفات خاص رسیدگی در محاکم و با سرعت و دقت و تمسک به قوانین موضوعه مبادرت به صدور رای می‌نماید. در واقع نحوه حمایت از حقوق مصرف‌کننده که اغلب از قشر آسیب‌پذیر جامعه و فاقد اطلاعات کافی در زمینه خدمات و کالاهای مصرفی می‌باشند، را با کمترین هزینه دنبال می‌کند. اگر مثلاً در مورد خدمات و یا کالایی قیمت اضافه توسط عرضه‌کنندگان - فروشندگان یا تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان دریافت شود بر طبق قوانین فوق‌الشاره ملزم به استرداد وجه دریافتی به شاکی خصوصی می‌گردد و همچنین ما به التفاوت بین کالای صحیح و تقلبی را بایستی به ذینفع مسترد نماید، علاوه بر این از حیث جنبه عمومی (حق دولت) به فراخور مراحل تخلف، جرایم نقدی به صورت پلکانی در نظر گرفته شده است و اینگونه است که در جهت احقاق حقوق مصرف‌کننده به وضع قانون پرداخته است. یکی از تخلفات مصرح در قوانین مذکور عدم نصب قیمت (عدم درج قیمت کالا و خدمات) می‌باشد که این تخلف را می‌توان به عنوان منشاء سایر تخلفات دانست، چرا که در صورت عدم نصب قیمت و نرخنامه، قدرت انتخاب و مقایسه کالاها و یا خدمات ارائه شده از سوی مشتری یا مصرف‌کننده (خریدار) سلب می‌شود، اگر چه در قانون فقط مجازات ناچیزی برای متخلف در نظر گرفته شده است ولی به لحاظ فراوانی و کثرت تخلف مذکور بایستی قانون‌گذار جرایم نقدی بیشتری برای این تخلف در نظر بگیرد و تضمین لازم را فراهم نماید. شایان ذکر است که این تخلفات حتی از حیث جنبه خصوصی نیز مجازاتی ندارد و لیکن بایستی به لحاظ سرایت و اجرای این مهم که نتیجه آن امکان بهره‌مندی بیشتر مصرف‌کننده از حق انتخاب و گزینش و مقایسه قیمت‌ها را دنبال می‌کند، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. البته سایر تخلفات مصرح در قانون تعزیرات حکومتی مشابه کم‌فروشی، عدم صدور فاکتور خرید، فروش اجباری کالا به همراه کالای دیگر، هم در جهت حمایت از حقوق مشتری وضع

گردیده است و در صورت احراز تخلف حق مشتری بر طبق مقررات مسترد می‌گردد. بعد از بیان مفاهیم مرتبط با حقوق مصرف‌کننده، نیازمند این هستیم که اصول و معیارهای مصرف در سطح اسلام مورد بررسی قرار بگیرد.

اصول مصرف در اسلام

اسلام، آیین کاملی است که هم به دنیای پیرامونش توجه دارد و هم به آخرت آنان اهتمام می‌ورزد، چنان‌که از مسلمانان می‌خواهد نه دنیاخواهی آنان سبب غفلتشان از آخرت شود و نه توجه به آخرت، آنان را از دنیا باز دارد. بر این اساس، اسلام از یک‌سو راه مصرف را برای انسان‌ها باز می‌گذارد تا دنیایشان سامان یابد و از سوی دیگر، کاملاً مراقب است که مسئله مصرف از جاده اعتدال و شرع خارج نشود. در این راه گاهی مصرف شکل طبیعی خود را از دست می‌دهد و به جای آنکه به عنوان یک پدیده حیاتی، در خدمت انسان باشد، انسان را به خدمت خود درمی‌آورد و به این ترتیب، وسیله به هدف تبدیل می‌شود و مصرف بیش از حد زمینه‌ساز انواع لغزش‌ها، اسراف‌ها، فخرفروشی‌ها، تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود. از این‌رو، بخشی از آیات قرآنی به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش درست مصرف کردن اختصاص یافته است. آیات و روایاتی که در آنها به میانه‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از هدر دادن اموال، پرهیز از راکد گذاشتن اموال و... اشاره شده است، همه در پی فرهنگ‌سازی برای مصرف‌کنندگان در واقع مصرف درست در اسلام، مصرفی است که اصول زیر در آن رعایت شده باشند:

۱. مصرف براساس نیاز حقیقی، نه بر پایه نیاز کاذب و زیاده‌خواهی

با تأملی در دو واژه مصرف و مصرف‌زدگی، مشخص می‌شود که آنچه این دو را از یکدیگر جدا می‌کند، آن است که اساس مصرف بر پایه نیازهای حقیقی و طبیعی انسان‌هاست، در حالی که مصرف‌زدگی، در نیازهای کاذب و زیاده‌خواهی‌های انسان ریشه دارد. در حقیقت، این نیازهای کاذب و غیرضروری انسان‌هاست که آنان را به سوی انواع اسراف‌ها و زیاده‌خواهی‌ها سوق می‌دهد و از آنان انسان‌هایی مصرف‌زده می‌سازد و این در حالی است که، از جمله مباحث اساسی

اسلام در اخلاق مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیرواقعی است که خود، از تمایزات اساسی میان مکتب اقتصادی اسلام و نظام سرمایه‌داری به شمار می‌رود. از دیدگاه اسلام، نیازهای مادی آدمی، باید در حد متعارف تأمین شوند اما مصرف بیهوده و کاذب به هیچ روی تأیید نمی‌شود (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲).

۲. اعتدال و میانه‌روی در مصرف

مصرف طیبات و آنچه در شریعت اسلامی حلال شمرده می‌شود، نامحدود نیست و باید اصل اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط در آن رعایت شود. خروج از این اصل، پیروی از شیطان معرفی شده است. «ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید» (سوره بقره، ۶۰).

اهمیت اعتدال در مدیریت زندگی فردی و اجتماعی به اندازه‌ای است که امیرالمؤمنین (علی‌ع) می‌فرماید: «هرگاه خداوند بخواهد به بنده‌ای خیری برساند، میانه‌روی و تدبیر نیکو را به او می‌آموزد و او را از بی‌تدبیری و اسراف دور می‌کند» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱) زیرا خداوند میانه‌روی را دوست و اسراف را دشمن می‌دارد (صابری یزدی، ۱۳۷۲، ص ۶۴۹).

همچنین در جای دیگر، نتیجه قهری رعایت نکردن اعتدال در مصرف چنین بیان شده است که افراد یا جامعه‌ای که، امور مالی و اقتصادی خود را درست (با اعتدال و میانه‌روی) اداره نکنند، گرفتار فقر و سختی می‌شوند (حر عاملی، ۱۳۷۷، ص ۶۶).

در این راستا، اسلام ضمن نکوهش کسانی که استفاده از نعمت را بر خود حرام کرده‌اند (سوره اعراف، ۳۲) انسان را با دعوت به میانه‌روی و اعتدال، از تجمل‌پرستی و گرایش به کسانی که زندگی تجملی دارند، نهی کرده است. پیامبر اسلام (ص)، آن هنگام که اشراف مکه، شرط ایمان و همراهی با ایشان را فاصله گرفتن از ضعفا و فقرا و فراهم کردن زندگی اشرافی برای پیامبر دانستند، این نوع زندگی را از موانع پذیرش حق و بهره‌مندی از هدایت الهی شمردند (سوره کهف، ۲۸). زندگی مجلل، علاوه بر اینکه جامعه را دچار بحران اقتصادی می‌کند، دارای آثار فرهنگی نامطلوبی است که از آن جمله می‌توان به متزلزل شدن آرامش روحی، زیاده‌طلبی و تعرض به

حقوق دیگران، آسیب دیدن ارزش‌ها، تبدیل ضد ارزش‌ها به ارزش‌ها، ایجاد فاصله طبقاتی و تنزل شخصیت، منزلت و اهداف انسانی اشاره کرد (حاجی صادقی، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

در واقع، تجمل پرستی و تجمل خواهی، برای مردم تباهی آور است و در نهاد آدمی، انواع بدی‌ها و فرومایگی‌ها و عادت‌های زشت را پدید می‌آورد و فضایل نیکی‌ها را از میان می‌برد. تجمل خواهی و اعیان منشی، مایه بدبختی و انقراض جوامع است. به همین دلیل جوامع هر اندازه بیشتر در تجمل خواهی و اعیان منشی فرو روند، به همان اندازه به مرز سقوط نزدیک تر می‌شوند (خوشرو، ۱۳۷۴، جلد ۱، ص ۵۸) و برعکس هر آنقدر از تجمل پرستی و تجمل‌گرایی فاصله بگیرند در رسیدن به کرامت انسانی پیش قدم تر خواهند بود.

۳. پرداخت حقوق واجب مالی

انسان بایستی ضمن مصرف اموال خود در راه رفع نیازهای فردی و خانوادگی با رویکردی اعتدال‌گرایانه؛ حقوق واجب مالی و سهم خدا و جامعه را نیز با رغبت و نیت پاک و به قصد قربت ادا کند تا از این طریق رزق و روزی خود را طیب و پاکیزه کرده باشد.

انسان مسلمان اعتقاد و باور دارد که پرداخت خمس و زکات و انفاق، نه تنها مال را کاهش نمی‌دهد بلکه موجب افزایش و برکت اموال می‌شود چنانکه فرموده شده است: «به مقام نیکوکاری نمی‌رسد مگر اینکه از آنچه دوست دارد، در راه خدا انفاق کند» (سوره آل عمران، ۹۲).

پیامبر اکرم (ص) میانه‌روی و صرفه‌جویی را از نعمت‌های اعطا شده‌ای بیان کرده‌اند که اگر خدا بخواهد به کسی ارزانی می‌کند؛ زیرا انسان مؤمن موظف است که از مال خود به اندازه «کفاف» خرج کند و کفاف، قدری از مال را گویند که برای هزینه زندگی انسان و خانواده‌اش در حد اعتدال کفایت کند و خرج کردن بیش از آن اسراف است. اهمیت اعتدال در سبک زندگی مؤمنانه به اندازه‌ای است که پیامبر (ص) در بخشی از سخنانشان با تأکید، این مطلب، را تکرار می‌کنند که: «ایها الناس، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد: ای مردم بر شما باد اعتدال و میانه‌روی، بر شما باد اعتدال و میانه‌روی، بر شما باد اعتدال و میانه‌روی» (معصومان (ع) نیز امت پیرو اهل بیت (ع) را امت وسط و میانه معرفی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۳).

۴. نوع دوستی و هماهنگی با وضعیت عمومی

در جامعه اسلامی، پیروی از سبک زندگی مؤمنانه با تأکید بر نوع دوستی و خیرخواهی برای تمام مردم، به ویژه مسلمانان توصیه شده است. به این معنا که مسلمانان در استفاده از نعمت‌های حلال نمی‌توانند تنها به خود مشغول شوند و از وضعیت سایر مؤمنان غفلت کنند چنان‌که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مؤمن نیست کسی که سیر باشد و برادرش گرسنه و مؤمن نیست کسی که پوشیده باشد و برادرش عریان (همان، ص ۱۱۴).

در واقع، مال و ثروت، مایه قوام جامعه است و تبادل کالا و خدمات از طریق آن انجام می‌گیرد از این رو، نباید آن را انباشت و راکد نگه داشت. چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: این اموال زیاد را خداوند به شما داده است تا در راهی که او خواسته به کار برید و نداده است که آن را انباشته کنید (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۲).

سیمای کرامت انسانی و حقوق مصرف‌کننده از منظر قوانین و فقه امامیه

انسانها همواره از کرامت برخوردارند. این ارزش جنبه‌ی ذاتی داشته و از سوی پروردگار یگانه به همه‌ی دسته‌های بشری اعطا شده است. بنابراین کرامت انسانی که از آن به ارجمندی و شان انسان‌ها تعبیر می‌شود، پدیده‌ای فراتر از حق‌هاست تا انسان‌ها به این واسطه صرفاً استفاده‌کننده از موقعیت باشند و نتوانند نسبت به ساقط کردن این ارزش اراده‌ای را به کار گیرند؛ زیرا کرامت انسانی در فطرت انسان‌ها ریشه دارد و پایدار و نقض‌ناپذیر بودن از خصیصه‌های شاخص آن به شمار می‌رود.

قلمرو توجه به کرامت انسانی در این زمانه به پهنه‌ی مقررات ملی هم گسترانیده شده است. برای مثال می‌توان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸ اشاره کرد که: «...ایمان به... کرامت و ارزش والای انسان...» از رهگذر بند ۶ اصل سوم در شمار پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران جای گرفته است.

با تدوین این سیاست، کرامت انسانی هم به عنوان بنیان نظام و سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران و هم در شمار ارزش‌های ناظر به همه‌ی انسان‌ها پیش‌بینی شده است.

بنابراین ارزش پیش گفته در قلمرو حقوق ملی از اعتبار اساسی برخوردار شده است تا به این واسطه همه ی سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها در پرتو آن صورت پذیرد. چه اینکه با اتخاذ رویکرد اساسی سازی و دادن جایگاه یک اصل به کرامت انسانی، ضمن نشان دادن اهمیت آن، ضرورت توجه داشتن به آن در فرآیند سیاست گذاری ها نیز نمایان گردیده است. در این راستا است که قانون گذار به موجب ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «...کرامت و حیثیت اشخاص...» را به عنوان مولفه ی بنیادی در فرایند رسیدگی های کیفری شناسایی کرده است.

حقوق بشر در راستای اصول انسانی با تولد جامعه بشری ایجاد شد و همواره به صورت صفتی جدا نشدنی از انسان به حیات خود ادامه داده است (عمید زنجانی و توکلی، همان، ص ۱۶۲). از نظر اسلام همان طور که از پاره ای آیات (از جمله آیه ۲۹ سوره بقره) برمی آید، همه انسان ها صرف نظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار آن ها، دارای کرامت هستند، هرچند که انسان باتقوا دارای فضیلت و کرامت بیشتری است (عظیمی فر، ۱۳۸۷، ص ۵).

آشکار است که در بستر نظام حقوقی ایران نیز توجه به کرامت انسانی دارای جایگاه برجسته ای است و از آنجا که این اصل با مصرف و مصرف گرایی در ارتباط تنگاتنگی است. فلذا برای رسیدن به این منظور سعی کردیم قوانین مرتبط با حقوق مصرف کنندگان را که به صورت اختصاصی در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است را با لحاظ اصول انسانی اسلام بررسی و سپس رابطه هر یک از این اصول با کرامت انسانی تحلیل و بررسی شود تا با این شیوه به صورت مستقیم و غیر مستقیم، جایگاه کرامت انسانی در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و سایر قوانین مرتبط با مصرف و مصرف گرایی از دیدگاه فقه امامیه بیان گردد.

فقه امامیه برای هر انسانی ده اصل اساسی را در نظر می گیرد که این اصول به اصول انسانی اسلام مشهور هستند: اصل کرامت انسانی، اصل امنیت انسانی، اصل حق انتخاب برای انسان، اصل برابری انسان ها، اصل جزا و کیفر دنیوی و اخروی انسان ها، اصل تربیت پذیری انسانی، اصل ابعاد وجودی انسان، اصل ثابت بودن ارزش های اخلاقی، اصل تفکر و اندیشه ورزی، اصل آزادی در عمل.

از آنجا که هدف اصلی همه این اصول رسیدن به همان اصل اول یعنی کرامت انسانی است، در این قسمت برای بیان تأثیر حقوق مصرف‌کننده در شکل‌گیری و حفظ کرامت انسانی لازم است به تأثیر جداگانه هر کدام از این اصول فقهی و اسلامی در شکل‌گیری حقوق مصرف‌کننده با تاملی بر قوانین مرتبط با حقوق مصرف‌کنندگان پرداخت:

۱. اصل امنیت انسانی و حقوق مصرف‌کننده

ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده شامل شش بند بوده که از این موارد چهار بند آن به طور مستقیم با حقوق مصرف‌کننده در ارتباط بوده و به طریق اولی اصل امنیت انسانی را محقق می‌سازد. این موارد عبارتند از: صدور ضمانت نامه کالا یا خدمات، عدم وجود عیب، عدم تبانی و صدور صورت حساب فروش.

همچنین در تبصره ۱ ماده ۲ با بیان اینکه هر گونه عیب و نقص در کالا در صورتی که فروشنده از آن آگاهی داشته باشد منجر به جبران نقص و خسارت از جانب وی می‌شود در عمل با تضمین سلامت خرید مصرف‌کننده امنیت انسانی و اقتصادی او در جهت حفظ کرامت انسانی اش را تأمین می‌کند.

۲. اصل جزا و کیفر دنیوی و اخروی و حقوق مصرف‌کننده

در بند ۳ ماده ۱۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان یکی از وظایف انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده، بررسی شکایات مطرح شده از طرف مصرف‌کننده بیان شده است و این بررسی‌ها زمانی بعد عملی و اجرایی پیدا می‌کند که برای متخلف، جزا و کیفری در نظر گرفته شود تا در قبال عمل نکوهیده‌ی وی ضمانت اجرایی وجود داشته باشد. همچنین قانون‌گذار در فصل پنجم این قانون تحت عنوان جریمه‌ها و مجازات در ماده‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به طور مستقیم از این اصل فقهی حمایت کرده است.

۳. اصل حق انتخاب برای انسان و حقوق مصرف‌کننده

در بند ۲ ماده ۱۱ به رسمیت شناختن مبحث ارائه‌ی اطلاعات به مصرف‌کننده و مطرح کردن بحث

نمایش کالاها در معرض دید وی برای مصرف‌کننده و همچنین در تبصره ۱ ماده ۳ با نفی هر گونه فروش اجباری و در ماده ۵ با پذیرش نصب قیمت واضح و روشن بر روی کالاها و در نهایت در ماده ۷ با جلوگیری کردن از تبلیغات خلاف واقع و دروغ، برای مصرف‌کننده قائل به حق انتخاب شده و گامی بلند در جهت حفظ کرامت انسانی او برداشته است.

۴. اصل تربیت‌پذیری و حقوق مصرف‌کننده

ماده ۱۲ بند ۱ با در نظر گرفتن نقش آگاه‌سازی و آموزش مصرف‌کننده برای انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده، عملاً اصل تربیت‌پذیری انسانی را مد نظر قرار داده است و همانگونه که می‌دانیم تربیت‌پذیری بر پایه احتساب قدرت عقل و تفکر معنا پیدا می‌کند و زمانی که قوه عقل و تفکر برای انسانی در نظر گرفته شود عملاً حفظ کرامت انسانی او هدف قرار گرفته است.

۵. اصل تفکر، اندیشه‌ورزی و حقوق مصرف‌کننده

ماده ۹ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده، با پذیرش تاسیس انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده برای مشارکت بیشتر مردمی و خدمت‌رسانی بهتر و در بند ۲ ماده ۱۲ با پذیرش مشورت و همکاری با نهادهای اجرایی به عنوان یکی از وظایف انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده، قائل به اصل تفکر و اندیشه‌ورزی شده و با پذیرش این مهم، عملاً کرامت انسانی او را مد نظر قرار داده است.

۶. اصل ثابت بودن ارزش‌های اخلاقی و حقوق مصرف‌کننده

ثابت بودن و مطلق‌گرایی اخلاقی بدین معناست که برخی از ارزش‌ها صرف نظر از اشخاص، مکان‌ها و زمان‌ها معتبر بوده و هیچ چیز نمی‌تواند شمولیت آن را از بین ببرد. به عنوان مثال گرانفروشی، کم‌فروشی، تقلب و دیگر تخلفاتی که به گونه‌ای این حمایت از مصرف‌کنندگان را نقض کرده همیشه و همه‌جا مورد نکوهش بوده‌اند و هیچ چیزی نتوانسته این ارزش‌های مهم اخلاقی که همان توجه به اصل کرامت انسانی بوده است را نقض کند. فصل اول قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت عنوان تخلفات و تعزیرات

مربوطه، هفده تخلف را یاد کرده است که همگی این‌ها نشان از این دارند که اخلاق و توجه به اصول اخلاقی مصرف از اصول جاودانه و ثابت اسلام و جامعه‌ی اسلامی بوده است.

۷. اصل ابعاد وجودی انسان

بند ۱ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصرف‌کننده را اینگونه تعریف کرده است: «هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند.» در این ماده با در نظر گرفتن حقیقت وجودی مصرف‌کننده و با به رسمیت شناختن ابعاد وجودی وی، هر شخصی را که به هر دلیل از کالا و یا خدمتی منتفع می‌شوند را مشمول حمایت قرار داده است و از آنجا که به موجب ماده ۵۸۸ قانون تجارت «اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی می‌باشند که قانون برای افراد قائل است....» فلذا این امر از آنجا که تمامی اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی را مورد لحاظ قرار داده است و آن‌ها را از حمایت قانون به عنوان مصرف‌کننده برخوردار دانسته است، می‌تواند در راستای رسیدن به اصل کرامت انسانی مورد توجه قرار بگیرد.

۸. برابری همه انسان‌ها

در تبصره ماده ۱۶ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان با بیان اینکه در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی صورت گرفته باشد خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود و مسئولیت جزایی آن به عهده مدیر عامل و یا مدیر مسئول شخص حقوقی است، عملاً با عام قرار دادن همه نهادها و اشخاص حقوقی و حقیقی در مورد این قانون اصل برابری انسان‌ها در برابر رفتار و کردارشان را مد نظر قرار داده است و با این امر عملاً کرامت انسانی مصرف‌کننده را فراهم آورده است.

۹. اصل آزادی در عمل

ماده ۹ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اعلام می‌دارد: «به منظور ساماندهی مشارکت مردمی در اجرا سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به موجب این قانون

انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تاسیس می‌شود و در این قانون «انجمن» خوانده خواهد شد.»

در تبصره ۱ این ماده با در نظر گرفتن ماهیت غیر دولتی و غیر انتفاعی برای انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده در عمل این تشکل را تشکلی آزاد می‌داند و حیطه فعالیت انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده را فراتر از تشکل‌های دولتی و ضد و بند‌های قانونی در نظر می‌گیرد و با در نظر گرفتن آزادی در عمل برای مصرف‌کننده و حامیان او حفظ کرامت انسانی او را در قبال گروه‌های اجتماعی هدف گرفته است و تنها استثنای این اصل که باعث محدودیت این آزادی عمل می‌گردد، ماده ۱۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌باشد که با ممنوع اعلام کردن فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و انتفاعی انجمن‌ها که خود نیز عملاً در راستای حفظ کرامت انسانی مصرف‌کننده و محدود کردن حیطه فعالیت انجمن در جهت حمایت از مصرف‌کننده است، گام بر می‌دارد.

نتیجه‌گیری

دین اسلام با توجه به همه‌ی نیازهای بشری در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، اصول جامع و کاملی را بیان کرده که هر یک از آن‌ها اگر به درستی رعایت شوند، جایگاه انسان بما هو انسان حفظ می‌شود و در این راستا مهم‌ترین اصل جامعه‌ی بشری که در دین و شریعت اسلام نیز بارها از آن یاد شده یعنی کرامت انسانی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری نیاز به مصرف و مصرف‌گرایی است که اگر در آن حد اعتدال و تعادل رعایت گردد و به عبارت بهتر اگر در آن اصول اسلامی صحیح مصرف کردن مورد مذاقه قرار بگیرد، جایگاه کرامت انسانی او به حد اعلا خود می‌رسد اما اگر این اصول مورد استفاده قرار نگیرد و یا اینکه به شکل ناقص و ناکافی به کار گرفته شوند، مصرف و مصرف‌گرایی از آن شکل مورد پسند خود خارج می‌شود و به شکل مذموم خود یعنی مصرف زدگی به منصفه‌ی ظهور می‌رسد.

در این راستا، یکی از مهم‌ترین نهاد‌های متولی امور اقتصادی و مبارزه با مصرف زدگی که با عناوین مختلف تخلفات مثل گرانفروشی، کم‌فروشی، تقلب، احتکار و نمود خارجی پیدا

رابطه کرامت انسانی و تأثیر آن در شکل‌گیری حقوق مصرف‌کننده در فقه امامیه و قوانین و مقررات تعزیرات ۹۵

می‌کند؛ تعزیرات حکومتی است که این نهاد نیز با توجه به یافته‌های حقوقی سازی شده‌ی اسلام و شریعت آن که در قالب قوانینی همچون قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷، قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷، قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ اصلاحی ۱۳۹۲ و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ سعی در برخورد با این افراط‌گرایی‌ها و مصرف‌زدگی دارد تا بتواند افراد جامعه را به همان اصل مهم انسانی یعنی اصل کرامت انسانی نزدیک گرداند.

منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۷)، «کرامت انسانی در دولت مهدوی»، فصلنامه حقوق، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵.
۲. ایروانی، جواد، (۱۳۸۴). *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳. بادرین، مسعود، (۱۳۸۲). «حقوق بشر و حقوق اسلام: اسطوره ناهمخوانی»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، مبانی نظری حقوق بشر، دانشگاه مفید قم.
۴. بخاری، محمد ابن اسماعیل، (۱۳۹۱). *صحیح بخاری*، مترجم: نور احراری، عبدالعلی، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۵. حاجی صادقی، عبدالله، (۱۳۸۸). *اصول الگویی مصرف اسلامی*. قم، پژوهشکده تبلیغات اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۷). *وسایل الشیعه، تصحیح: محمد مهریزی و محمد حسین درایتی*، قم، انتشارات الهادی.
۷. خوشرو، غلامعلی، (۱۳۷۴). *شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون*، جلد اول، انتشارات اطلاعات.
۸. دشتی، محمد، (۱۳۷۹). *مترجم نهج البلاغه*. قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۹. رزاقی، ابراهیم، (۱۳۸۷). *الگویی مصرف و تهاجم فرهنگی*، تهران، انتشارات بهار.
۱۰. صابری یزدی، علیرضا. (۱۳۷۲). *الحکم الزاهره*، مترجم: محمدرضا انصاری، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

رابطه کرامت انسانی و تأثیر آن در شکل‌گیری حقوق مصرف‌کننده در فقه امامیه و قوانین و مقررات تعزیرات ۹۷

۱۱. عظیمی فر، علی رضا، (۱۳۸۷). بررسی اصل کرامت انسانی در دولت مهدوی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، تهران، انتشارات صدرا.
۱۲. امید زنجانی، عباس؛ توکلی، محمد مهدی (۱۳۸۶). «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام»، چاپ شده در فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴، زمستان ۸۶.
۱۳. کلینی، ثقه الاسلام، (۱۳۷۵). اصول کافی، مترجم: شیخ محمدباقر کمره‌ای، جلد ۴، قم، انتشارات اسوه.
۱۴. گیلانی، رضا، (۱۳۸۷). کرامت انسان در نگاه تکوین و تشریح، اردیبهشت ماه ۱۳۸۷، تهران، انتشارات صدرا.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
۱۶. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، (۱۳۹۰). ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۷.
۱۷. مهری، بهار، (۱۳۹۱). مطالعات فرهنگی، اصول و مبانی، تهران، انتشارات صدرا.
۱۸. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۲). «دین و کرامت انسانی»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، مبانی نظری حقوق بشر، قم، دانشگاه مفید قم.